



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۵ بهمن ۱۳۹۰
مصادف با: ۲۱ ربیع الاول ۱۴۳۳
جلسه: ۱۹

موضوع کلی: جوامع روایی ثانوی
موضوع جزئی: کتاب بحار الأنوار
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

دو آرزوی علامه مجلسی:

قبل از اینکه به موضوع اعتبار روایات کتاب بحار الأنوار بپردازیم خوب است به این نکته اشاره کنیم که مرحوم علامه مجلسی در رابطه با کتاب بحار الأنوار در نظر داشت که دو کار دیگر را هم انجام دهد که موفق به آن دو نشد: یکی اینکه قصد داشت شرح کاملی بر کتاب بحار الأنوار بنویسد، مرحوم علامه در این رابطه عبارتی دارد به این مضمون که می‌گوید: «و فی بالی إن امهلنی الأجل و ساعدنی فضله عزّ و جلّ أن أکتب شرحاً کاملاً یشتمل علی کثیر من المقاصد الّتی لم توجد فی مصنفات الأصحاب و أشبع فیهِ الکلام لاولی الالباب»^۱ می‌گوید: در ذهنم است که اگر اجل مهلت دهد و فضل خداوند تبارک و تعالی من را یاری کند شرح کاملی بنویسم بر کثیری از مقاصد و اغراضی که در مصنفات اصحاب یافت نشده و کلام را برای اولی الالباب اشباع کنم.

سؤال: با اینکه نوشتن کتاب بحار الأنوار حدود ۴۰ سال طول کشید چگونه مرحوم علامه تصمیم بر این داشت که شرحی هم بر این کتاب بنویسد؛ چون طبیعتاً نوشتن شرح بحار الأنوار زمان زیادتری را می‌طلبید که معلوم نبود مرحوم علامه چنین فرصتی را داشته باشد.

استاد: انسان وقتی می‌خواهد کاری را تازه شروع کند طبیعتاً زمان بیشتری را باید صرف کند و در مرحله جمع آوری کتاب بحار الأنوار بخش زیادی از کتبی که از آنها به عنوان منبع استفاده شده در دسترس علامه نبوده تا جایی که خود علامه می‌گوید من برادران دینی را به مناطق مختلف و حتی سایر کشورها فرستادم تا نسخه‌هایی از کتب روایی جمع آوری کنند تا آن روایات یکجا در قالب کتاب بحار الأنوار گرد آوری شود، پس در مرحله جمع آوری روایات از منابع دیگر زمان طولانی نیاز بوده است که معلوم نبوده این زمان طولانی برای نوشتن شرحی بر کتاب بحار الأنوار نیاز باشد و همچنین علامه امید به فرصت نوشتن این شرح را داشته است؛ چون ایشان ۷۳ سال داشته که از دنیا رفته است، بعلاوه اینکه در کنار جمع آوری کتاب بحار الأنوار مرحوم علامه به کارهای دیگر هم اشتغال داشته و این طور نبوده که ۴۰ سال فقط صرف جمع آوری این کتاب شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۵.

کار دیگری که مرحوم علامه مجلسی قصد داشت انجام دهد ولی موفق به انجام آن نشد نوشتن کتابی با عنوان مستدرک البحار بود؛ یعنی روایاتی را که در بحار الأنوار نیامده در کتابی تحت عنوان مستدرک البحار ذکر کند که خود علامه می- فرماید: «سنذكر بعض أخبار الكتب المتقدمة التي لم نأخذ منها كثيراً لبعض الجهات مع ما سيتجدد من الكتب في كتاب مفرد سمّيناه بمستدرک البحار إن شاء الله الكريم الغفار إذ الإلحاق في هذا الكتاب يسير سبباً لتغيير كثير من النسخ المتفرقة في البلاد»؛^۱ می‌فرماید: من می‌خواهم بعضی از اخبار کتب متقدمه را که در کتاب بحار الأنوار ذکر نکرده‌ام و همچنین اخبار کتبی که در آینده ممکن است به دست من برسد را مجموعاً در کتابی جداگانه و مستقل به عنوان مستدرک بحار بیاورم و علت اینکه آن را به کتاب بحار الأنوار ملحق نکرده‌ام این است که نسخه‌های مختلفی که از بحار الأنوار در بلاد مختلف منتشر شده دچار اختلاف و تغییر خواهد شد لذا بهتر است که این روایات را تحت کتابی دیگر به عنوان مستدرک بحار ذکر کنیم.

اعتبار روایات بحار الأنوار

مهمترین مسئله‌ای که در مورد روایات کتاب بحار الأنوار وجود دارد این است که این کتاب مشتمل بر روایات ضعیف است و در اشمال کتاب بحار الأنوار بر روایات ضعیف و غیر معتبر هیچ تردیدی وجود ندارد و شواهدی هم بر این مطلب وجود دارد:

شاهد اول:

شاهد اول اینکه خود علامه مجلسی می‌گوید: من از کتب متواتره مثل کتب اربعه روایت نقل نکرده‌ام؛ چون در مورد این کتب احتمال از بین رفتن روایات و خارج شدن از دسترس شیعیان وجود ندارد. مهمترین کتب روایی ما همین کتب اربعه هستند که مرحوم علامه می‌گوید من از این کتب روایت نقل نمی‌کنم، البته اینکه علامه می‌گوید من از کتب اربعه روایت نقل نمی‌کنم به این معنی نیست که روایاتی که در کتب اربعه وجود دارد لزوماً در کتاب بحار الأنوار نباشد ولی مرحوم علامه بخاطر اینکه کتب اربعه متواترند و از خطر انهدام مصون بوده‌اند از آنها روایت نقل نکرده است؛ چون هدف اصلی علامه مجلسی حفظ میراث حدیثی شیعه بوده است، پس کلام علامه مجلسی که می‌گوید من از کتب اربعه روایت نقل نکرده‌ام فی الجمله وجود روایات ضعیف در کتاب بحار الأنوار را ثابت می‌کند.

شاهد دوم:

شاهد دیگر اینکه در مواردی خود علامه تصریح به وجود روایات ضعیف در کتاب بحار الأنوار کرده است، مرحوم علامه مجلسی در ذیل بسیاری از روایات می‌گوید: این حدیث ضعیف و مخالف مشهور و مخالف سایر روایات است و نمی‌شود به آن اعتماد کرد یا مثلاً ایشان در مواردی ادعا می‌کند که این روایت از اصل معتبری نقل نشده لذا قابل اعتماد نیست، با وجود این قرائن که در کلام علامه ذکر شده نمی‌توان گفت روایات ضعیف در بحار الأنوار وجود ندارد.

۱. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۶.

در رابطه با وجود روایات ضعیف در کتاب بحار الأنوار دو دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه اول این است که بعضی معتقدند هدف علامه مجلسی جمع روایات معتبر بوده است نه اینکه هر روایتی را که دیده باشد در بحار الأنوار ذکر کرده باشد لذا معتقدند اصل اولی در روایات بحار الأنوار اعتماد علامه مجلسی بر روایات است الا اینکه خود ایشان تصریح به خلاف آن بکنند و بگویند فلان روایت ضعیف است، طبق این دیدگاه اگر جایی علامه مجلسی تصریح به ضعف روایت نکرده باشد آن روایت حجت است؛ یعنی حداقل از دید علامه مجلسی آن روایت معتبر است.

ب) دیدگاه دوم این است که می‌گویند روایات ضعیف منحصر در مواردی که علامه مجلسی به ضعف آنها تصریح کرده نیست بلکه دائره‌اش وسیع‌تر است؛ چون هدف اصلی علامه جمع آوری میراث حدیثی شیعه بوده، این دسته برای توجیه ذکر روایات ضعیف در کتاب بحار الأنوار چند مورد را اشاره می‌کنند؛ یعنی اگر ما بخواهیم از کلمات خود علامه و بزرگان دیگری مثل مرحوم امام و علامه شعرانی مجموعه اموری که به عنوان توجیه ذکر روایات ضعیف در بحار الأنوار بیان شده را فهرست کنیم می‌توان به سه توجیه اشاره کرد:

۱- یکی اینکه علامه مجلسی اگر می‌خواست می‌توانست روایات صحیح را از سقیم تمییز دهد و آنها را ذکر کند ولی چون وقت کافی برای این کار نداشته از این کار صرف نظر کرده است.

۲- دوم اینکه علامه مجلسی نخواست نظر خودش را به دیگران و آیندگان تحمیل کند تا کسی نگوید صاحبان جوامع روایی تنها احادیثی را نقل کرده‌اند که با سلیقه خودشان موافق بوده و آن احادیثی را که با سلیقه خودشان موافق نبوده کنار گذاشته‌اند، این دو توجیه را علامه شعرانی بیان کرده است.

۳- امام(ره) توجیه سومی دارند و آن هم مسئله حفظ میراث حدیثی شیعه است، ایشان در کتاب کشف الأسرار که پاسخ به بعضی از شبهات است در پاسخ به این اشکال که چرا کتاب بحار الأنوار مملو از روایات ضعیف است می‌فرماید: «کتاب بحار الأنوار که تألیف عالم بزرگوار و محدث عالی مقدار محمد باقر مجلسی است مجموعه‌ای است از قریب ۴۰۰ کتاب و رساله که در حقیقت یک کتابخانه کوچکی است که با یک اسم نام برده می‌شود، صاحب این کتاب چون دیده کتاب‌های بسیاری از احادیث است که به واسطه کوچکی و گذشتن زمان‌ها از دست می‌رود تمامی آن کتاب‌ها را بدون آنکه التزام به صحت همه آنها داشته باشد در یک مجموعه به اسم بحار الأنوار فراهم کرده است»، این توجیهی است که امام(ره) برای ذکر روایات ضعیف در بحار الأنوار ذکر می‌کند، این توجیه از کلمات خود علامه مجلسی هم بدست می‌آید که ایشان می‌گویند من از کتب اربعه روایت نقل نکرده‌ام چون آنها در دسترس است و از بین نمی‌رود پس غرض علامه مجلسی از تألیف کتاب بحار الأنوار حفظ میراث حدیثی شیعه بوده است و به همین خاطر است که روایات ضعیف را هم در این کتاب ذکر کرده است.

۱. کشف الأسرار، ج ۱، ص ۳۲.

در مجموع به نظر می‌رسد در بین این دو دیدگاه، دیدگاه دوم که می‌گوید کتاب بحار الأنوار اجمالاً مشتمل بر روایت ضعیف است صحیح‌تر است و شواهد و قرائنی هم بر این دیدگاه وجود دارد که ذکر آن گذشت بعلاوه در هیچ جایی هم نیامده که خود علامه مجلسی شهادت بر صحت روایات کتاب بحار الأنوار داده باشد و وقتی چنین شهادتی وجود ندارد نمی‌توان اصل را بر اعتماد به روایات کتاب بحار الأنوار گذاشت و بگوییم علامه مجلسی به آنها اعتماد کرده است و مواردی را هم که مرحوم علامه به ضعف آنها تصریح کرده مواردی بوده که ضعف آنها بین و آشکار بوده است یا مثلاً جهت خاصی در نظر ایشان بوده که ضرورت دیده آن را اظهار کند، علامه مجلسی در جمع آوری بحار الأنوار در مقام ارزیابی راجع به روایات نبوده است و وقتی در مقام ارزیابی روایات نبوده نمی‌توان ادعا کرد که اصل در مورد روایات بحار الأنوار بر اعتماد علامه مجلسی به روایات است مگر آنچه را که به ضعف آنها تصریح کرده است و اینکه مرحوم علامه در مقام ارزیابی روایات نبوده منافات ندارد با اینکه در بعضی از موارد اشاره‌ای هم به ضعف روایت نکند. لذا به نظر می‌رسد دیدگاه دوم که معتقد به وجود روایات ضعیف در کتاب بحار الأنوار بود اقرب به واقع باشد.

«والحمد لله رب العالمین»